

## فهرست

۷	یادداشت دبیر مجموعه
۹	مقدمه مترجم
۱۱	مقدمه مؤلف
۱۷	سیاسگزاری
۱۹	توپوگرافی
۲۳	کاوش
۲۷	مربع Z
۳۹	مربع Y
۴۷	تنور
۴۹	خشت‌ها
۵۵	گاه‌نگاری و مقایسه گونه‌شناختی
۵۷	گاه‌نگاری بمپور در ارتباط با ایران
۶۱	فرهنگ بمپور I-IV ارتباط با افغانستان و پاکستان
۶۹	لایه‌نگاری دشت بمپور
۷۹	ارتباطات با مناطق بیرونی در دوره V و VI
۸۵	بمپور V و VI و ارتباط با فرهنگ عمان و بحرین
۱۰۷	سفال بمپور
۱۷۷	یادداشتی بر ظروف سنگی منقوش و سفال‌های خاکستری با نقش‌کننده
۱۹۱	یافته‌های کوچک غیرسفالی
۲۰۱	فهرست یافته‌های کوچک
۲۰۳	پوشش جانوری بمپور
۲۰۷	گزارشی درباره نرم‌تنان (حلزون) گردآوری شده توسط گروه کاوش بمپور
۲۱۱	جدول ویژگی‌های سفال‌ها
۲۴۹	فهرست تصاویر
۲۵۱	فهرست منابع



## یادداشت دبیر مجموعه

سومین اثر از مجموعه «پژوهش‌های ایران فرهنگی» به ترجمه گزارشی مهم از مطالعات باستان‌شناسی تپه بمپور اختصاص یافته است.

بمپور در بلوچستان ایران، از غرب به دلگان و جلگه چاه‌هاشم، از شرق به ایرانشهر، از شمال به بزمان و از جنوب به لاشار و نیکشهر می‌رسد. دشت بمپور در میان بلوچستان و رودبار کرمان، یکی از قدیمی‌ترین سکونتگاه‌های پیشاتاریخ این منطقه به شمار می‌رود. تپه قلعه بمپور، امروزه در منطقه شمالی شهر بمپور واقع شده و آثاری از تمدن‌های ادوار مختلف تاریخ ایران را در خود جای داده است. کهن‌ترین آن در کاوش‌های دکاردی به دست آمده که به هزاره سوم پیش از میلاد می‌رسد و متأخرترین آن، قلعه باقی مانده در بالای تپه است که تا پایان قاجار و اوایل پهلوی اول، محل استقرار قدرت‌های محلی کرمان و بلوچستان بوده است.

کاوش در تپه بمپور گزارش پژوهش میدانی بناتریس دکاردی باستان‌شناس انگلیسی در بلوچستان دهه شصت میلادی از «تپه بمپور» است.

بناتریس آیلین دکاردی (۲۰۱۶ - ۱۹۱۴) باستان‌شناس انگلیسی و متخصص در مطالعات خلیج فارس و بلوچستان، مدت‌ها ریاست بنیاد بریتانیا در مطالعات عرب را برعهده داشت. همچنین از سال ۱۹۴۹ تا ۱۹۷۳ دبیر شورای باستان‌شناسی بریتانیا بود. کاوش‌های او در تپه بمپور و پس از آن در حاشیه خلیج فارس و به خصوص قطر، علاوه بر اینکه به کشف بقایایی مهم از تمدن‌های کهن منطقه منجر شد، بر دانش باستانی از تجارت دریایی خلیج فارس نیز افزود.

اثر مهم او با عنوان کاوش در تپه بمپور؛ محوطه‌ای از هزاره سوم پیش از میلاد در بلوچستان ایران نخستین بار در دهه هفتاد میلادی و در مجموعه مقالات

انسان‌شناسی موزه تاریخ طبیعی امریکا در نیویورک به چاپ رسیده و اکنون پس از گذشت نیم قرن، در اختیار مخاطبان فارسی زبان نیز قرار گرفته است. ترجمه این اثر را دکتر حسین مرادی، باستان‌شناس و معاون گروه باستان‌شناسی شهر سوخته و سرپرست چندین طرح باستان‌شناسی در حوزه بلوچستان و دره بمپور، برعهده داشته و با وسواس علمی و وقوف و آگاهی بر محتوای گزارش، ترجمه‌ای ارزنده و ماندگار را به ثمر رسانده است.

کاوش‌های دکاردی در بلوچستان و کشف سفالگری متمایز هزاره سوم پیش از میلاد در محوطه‌های نزدیک به رودخانه بمپور، اطلاعات تازه‌ای درباره ارتباطات تجاری خلیج فارس در عصر مفرغ به دست می‌دهد. آثار به دست آمده از کاوش‌های بمپور همچنین با یافته‌های باستان‌شناسی از تمدن‌های شهر سوخته و هلیل رود در ارتباط است. در نتیجه، ترجمه و انتشار این اثر در توسعه مطالعات باستان‌شناسی حوزه جنوب شرق ایران و بررسی‌های انطباقی در یافته‌های باستان‌شناختی این منطقه، می‌تواند راه‌گشا باشد.

لازم به ذکر است انتشار «کاوش در تپه بمپور» مرهون توجه آقای دکتر سید منصور سیدسجادی باستان‌شناس برجسته ایرانی است که این اثر گران قدر را به مجموعه «پژوهش‌های ایران فرهنگی» معرفی کردند.

محسن شهرنازدار

اسفند ۱۳۸۹

### مقدمه مترجم

سرزمین بلوچستان و به‌ویژه دشت بمپور اگرچه یکی از نقاط مورد توجه باستان‌شناسان در سده اخیر میلادی به شمار می‌رود و سابقه فعالیت‌های باستان‌شناسی در آن به حدود ۱۱۰ سال پیش از نگارش کتاب پیش رو بازمی‌گردد، اما به صورت کلی از مناطق به اصطلاح سفید باستان‌شناسی در پهنه سرزمینی و فرهنگی فلات ایران است که فعالیت‌های باستان‌شناسی چشمگیر و مؤثری در آن، پس از اتمام کاوش‌های خانم بتاتریس دکاردی در تپه بمپور، انجام نگرفته و بسیاری از آگاهی‌های علمی ما از بلوچستان ایران تنها بر پایه مطالعاتی استوار است که سال‌ها از انجام آن‌ها گذشته است. شوربختانه در این سه چهار دهه اخیر، تکاپو و تلاش باستان‌شناسان خارجی در آن سوی مرزهای سرزمین به‌ویژه در شبه جزیره عمان و مکران پاکستان، بر چشم‌انداز باستان‌شناسی این منطقه سایه افکنده است.

اگرچه در دهه‌های پس از انقلاب و به‌ویژه از دهه هشتاد شمسی به این سو، مطالعات جسته‌وگریخته‌ای در منطقه بلوچستان با اهداف مختلفی چون نجات بخشی، جلوگیری از غارت محوطه‌ها در پی کاوش‌های غیرمجاز و نیز مطالعات پراکنده‌ای با هدف آموزش دانشجویان باستان‌شناسی به انجام رسیده است، اما با این وجود، این فعالیت‌ها در جستجوی پرسش‌های بنیادین باستان‌شناختی منطقه و یا در راستای رویکردهای فرادستی و ملی نبوده و بیشترشان محدود به گزارش‌هایی یک یا دو صفحه‌ای با شمایل سازمانی و اداری بوده است. امید است که ترجمه فارسی این کتاب بتواند توجه باستان‌شناسان علاقه‌مند به این حوزه به خصوص باستان‌شناسان جوان را بیشتر از پیش به خود جلب کرده و گامی مثبت در افزایش علاقه به پژوهش‌های باستان‌شناسی بلوچستان باشد.

کتاب پیش رو اثر ارزشمند خانم دکاردی بوده و دربرگیرنده نتایج توصیفی و تحلیلی کاوش‌های تپه بمپور است که پس از انتشار چند مقاله درباره این تپه مهم در مرکز بلوچستان ایران، به نگارش درآمده است. در زمان انتشار این گزارش، هنوز بسیاری از محوطه‌های جنوب شرق ایران و مکران پاکستان همانند شهر سوخته، تپه یحیی، میری کلات، مهرگره ناشناخته بوده یا کار کاوش علمی آن‌ها تقریباً هم‌زمان یا اندکی بعدتر از کاوش‌های تپه بمپور شروع شده بود و بنابراین اطلاعات ایشان و سایر باستان‌شناسان محدود به بررسی‌ها و کاوش‌های شتاب‌زده و بعضاً غیرعلمی‌اش است. اما دقت نظر و اشراف علمی که خانم دکاردی به واسطه انجام بررسی‌ها و کاوش‌هایی در برخی مناطق مکران پاکستان یا حوزه تمدنی دشت سند داشته، باعث شده تا بسیاری از تحلیل‌ها و به‌ویژه تاریخ‌گذاری‌های تطبیقی و نسبی که از مواد فرهنگی تپه بمپور ارائه داده، پس از گذشت چند دهه، همچنان معتبر باقی بماند و این مسئله ارزش ترجمه کتاب ایشان را دوچندان می‌کند.

در پایان لازم است از افرادی که در ترجمه و انتشار این کتاب، همت بلند داشته و یاری‌ام کرده‌اند سپاسگزاری کنم. نخست مطابق همه این سال‌ها لازم است از استادم جناب آقای دکتر سیدمنصور سیدسجادی که پیشنهاد ترجمه این کتاب را به بنده داده و پلی میان من و موسسه آبی پارسی بودند، قدردانی کنم که بدون حساسیت و توجه ایشان به حوزه جنوب شرق ایران در بیست و پنج سال اخیر، احتمالاً باستان‌شناسی سیستان و بلوچستان چیزی در حد و حدود همان کارهای پیش از انقلاب بود. همچنین باید از مسئولان موسسه آبی پارسی و به‌ویژه آقایان محسن شهرنادر دبیر مجموعه پژوهش‌های ایران فرهنگی و محمد جمالی مدیرعامل موسسه آبی پارسی برای اهتمام و حساسیت نسبت به حوزه فرهنگی شرق ایران کمال قدردانی را به انجام رسانم. امید است این تلاش‌ها پایدار و استوار باقی بماند. از همسر خانم مهنوش مؤمنی بروجنی، که زحمت تنظیم جدول‌ها و برخی تصاویر این کتاب را کشیدند نیز سپاسگزاری می‌کنم. امید است که انتشار ترجمه کتاب کاوش‌های تپه بمپور، آغازی بر توجه دوباره به این حوزه فرهنگی مهم از فلات ایران باشد.

## مقدمه مؤلف

کتاب حاضر نشان‌دهنده نمای کلی کاوش‌های انجام‌شده در سال ۱۹۶۶ در سکونتگاه پیش‌ازتاریخی بمپور در جنوب شرقی ایران است. حدود ۳۴ سال پیش از نگارش کتاب حاضر، این محوطه توسط سر اورل اشتین بررسی شده بود، اما لازم است بر اساس اطلاعات و روش‌های کاری جدیدتر و امروزی، توالی فرهنگی این بخش از بلوچستان ایران را مشخص کنیم.

کاوش‌ها در دو برش عمیق (مربع‌های Y و Z) انجام گرفت که به شناسایی شش دوره استقرار منجر شد. سفال بمپور به خاطر اطلاعات جدیدی که در مورد ارتباطات موجود بین مناطق مرزی بلوچستان ایران و سرزمین‌های همسایه آن یعنی افغانستان و پاکستان در هزاره سوم پ.م ارائه می‌کند، دارای اهمیت زیادی است. نکات دیگری، هرچند با اهمیت نسبتاً کمتر، در مورد ارتباطات موجود با سواحل جنوبی خلیج فارس<sup>۱</sup> وجود دارد، اما در مورد این احتمالات باید منتظر مدارک جدیدتری بود.

ظروف سفالی چهار دوره نخست، نشان‌دهنده رشد و گسترش در درون مجموعه‌ای است که تاکنون ناشناخته بوده و به نام فرهنگ دوره I-IV بمپور نام‌گذاری می‌شود. این فرهنگ ابتدا با فرهنگی ترکیبی و وارداتی در دوره V جایگزین شده و نهایتاً در دوره VI به شکوفایی می‌رسد. در بمپور، هیچ‌گونه نمونه تاریخ‌گذاری شده بر اساس کربن ۱۴ وجود ندارد، اما مدارک تطبیقی موجود نشان می‌دهد که شش دوره استقرار موجود، تقریباً از دومین ربع هزاره سوم تا حدود ۱۹۰۰ پ.م را در بر می‌گرفته است. نتایج پژوهش‌های انجام‌شده به صورت خلاصه به شکل زیر است:

دوره I: در این دوره تنها آوارهای حاصله از استقرارهای هم‌جوار وجود دارد.  
دوره II: قدیمی‌ترین ساختارهای معماری، در بازه زمانی نسبتاً کوتاه، متعلق

---

۱. شوربختانه خانم دکاردی در سرتاسر متن از واژه خلیج به جای خلیج فارس استفاده کرده است - م.

به این دوره است که سفال‌های چرخ‌ساز قرمز و خاکستری با پوشش کرم‌رنگ در این دوره تولید شده است.

دوره III: آثار این دوره در مربع Z از طریق بازسازی‌های انجام شده در آثار معماری و سه فاز استقرار دیده می‌شود. سفال این دوره نشان‌دهنده وجود ارتباطاتی با مناطق شمالی و مشخصاً سیستان و نیز در فاز ۳ این دوره با موندیگاک<sup>۱</sup> IV.1 در جنوب شرقی افغانستان است.

دوره IV: آثار این دوره در مربع Z به شکل گسترش مجدد یک فاز استقرار اولیه و دو فاز ساختاری بعدی است. نشانه‌های تداوم ارتباطات فرهنگی فاز ۱ این دوره با شمال از روی شباهت‌های سفالی و اشیاء کوچک مشهود است. رسیدن اقوام بیگانه به بمپور در اواخر این دوره، از طریق حضور گونه‌های سفالی آن‌ها، هم در بمپور و هم در تدفین (B.ii) خوراب<sup>۲</sup> در چند کیلومتری شرق بمپور دیده می‌شود.

دوره V: در این دوره تداوم لایه‌نگاری و فرهنگی با دوره پیشین قطع شده است. در این دوره یک گونه سفال نخودی با پوشش قرمز رنگ جایگزین گونه سفالی کرم‌رنگ فرهنگ بمپور I-IV شده و تکنیک‌های جدید و مشخصاً صیقلی داغدار و نیز روش خراش دادن بر روی بدنه در سفال خاکستری رایج می‌شود. چند نمونه از طرح‌های سفال فرهنگ قلعه و شغا در استان فارس<sup>۳</sup>، در فاز ۱ این دوره ظاهر می‌شود و همانندی‌هایی بین مرحله مهی<sup>۴</sup> از گونه ظروف کولی<sup>۵</sup> در فاز ۲ همین

۱. موندیگاک در تقاطع رودهای ارغنداب و هیرمند در نزدیکی رود کشیک نخود در جنوب قندهار افغانستان واقع است. گاه‌نگاری و لایه‌نگاری تپه بر اساس کاوش‌های کازال از آغاز هزاره چهارم پیش از میلاد تا اواسط هزاره اول پ.م بازسازی شده و به هفت دوره تقسیم می‌شود -م.

۲. خوراب به گمان فراوان محوطه‌ای تدفینی متعلق به نیمه هزاره سوم پ.م است که در تقاطع رودخانه‌های خوشکوار و بمپور در ۱۰ کیلومتری جنوب شرق تپه بمپور قرار دارد که موقعیت دقیق آن پس از کاوش اشتین مجهول بود و در بررسی اینجانب در سال ۱۳۸۶ مجدداً مورد شناسایی قرار گرفت -م.

۳. فرهنگ قلعه و شغا در شرق استان فارس قرار داشته و دکاردی ارجاعات بسیاری برای بیان همانندی‌های مواد فرهنگی بمپور و مناطق غربی به آن‌ها می‌دهد. باید توجه داشت که در زمان نگارش کتاب کاوش‌های بمپور توسط دکاردی، بسیاری از محوطه‌های هزاره سوم جنوب شرق ایران و حتی استان فارس یا مورد کاوش قرار نگرفته بودند یا فصل‌های آغازین کاوش خود را سپری می‌کردند و بنابراین منابع مقایسه‌های گونه‌شناختی دکاردی در اصل اطلاعاتی بوده که واندنبرگ ارائه کرده است -م.

۴. مهی (Mehi) یکی از مهمترین محوطه‌های فرهنگ کولی در بلوچستان پاکستان است که در دشت موشکی در شمال غرب کولوا واقع شده و توسط اشتین شناسایی شده است -م.

۵. دوره کولی از محوطه‌های باستانی مهی، نیایی بوتی و سوردامب در جنوب و جنوب شرق بلوچستان پاکستان به دست آمده و مربوط به سال‌های ۲۵۰۰ تا ۲۰۰۰ پیش از میلاد است. سفال ویژه مرحله کولی سفال با نقوش سیاه‌رنگ بر زمینه قرمز تیره است -م.



دوره دیده می‌شود. مدارک موجود نشان می‌دهد که دوره V هم‌زمان با بخشی از پایان استقرار دوره بلوغ هاراپا<sup>۱</sup> در امری IIC در دشت سند و نیز دوره شکوفایی در لوتال<sup>۲</sup> (A-Phase IIIB) در سواحل غربی هندوستان بوده است.

دوره VI. شاخصه این دوره یک سبک محلی سفالی سرچشمه گرفته از گونه‌های سفالی دوره V است. در میان سفال‌هایی که استفاده از آن‌ها از دوره پیشین در این دوره تداوم پیدا کرد، باید به گونه سفال‌های خاکستری خراشیده با نقش کنده و همچنین ظروف مکعبی شکل سیاه بر روی خاکستری با نقوش جانوری که کاملاً شبیه قبرهای سنگی یادمانی فرهنگ ام‌النار در شبه‌جزیره عمان<sup>۳</sup> است، اشاره کرد. این گونه شباهت‌ها بیانگر نخستین ارتباطات بین دو سوی سواحل خلیج فارس هستند. گفته شده که فرهنگ ام‌النار در یک بازه زمانی با فرهنگ بربر در بحرین هم‌زمان بوده است. کشف یک اثر مهر سبک هندی در بحرین شبیه به آن چیزی که در مجموعه بابلی دانشگاه ییل، تاریخ ۱۹۲۳ پ.م را دارد، تاریخ ۱۹۰۰ پ.م را برای این دوره بمپور پیشنهاد می‌دهد. حضور تعداد زیادی محوطه‌های پیش‌ازتاریخی (شکل ۱) در دشت بمپور در بلوچستان ایران ابتدا توسط سر اورل اشتین در سال ۱۹۳۲ گزارش شده است. دو محوطه در منتهی‌الیه این دشت به نام‌های چاه حسینی و قلعه سردگاه<sup>۴</sup> سفال‌های دست‌ساز با نقوش ساده هندسی ساده داشته‌اند.

از نشانه‌های دوره‌های جدیدتر می‌توان به ظروف سفالی که در حفاری‌های اشتین در گورستان خوراب در کرانه چپ رودخانه بمپور به دست آمده و همچنین

۱. دوره هاراپا فاصله زمانی ۲۵۰۰ تا ۲۰۰۰ پ.م را دربرمی‌گیرد و در تپه‌های بالاکوت، سوتکاکوه و سوتکاگان دور به دست آمده است -م.

۲. لوتال یک محوطه ساحلی یا به عبارتی یک بندرگاه پیش‌ازتاریخی از دوره هاراپایی در اواخر هزاره سوم پ.م در غرب شبه‌قاره هند است -م.

۳. محوطه‌های ام‌النار و هیلی دو محوطه استقرار تدفینی بسیار مهم در باستان‌شناسی هزاره سوم پیش از میلاد در سواحل جنوبی دریای عمان به شمار می‌روند.

هم‌ام‌النار و هم هیلی محوطه‌هایی استقراری با پشته‌های سنگی به عنوان سازه‌هایی آرامگاهی و تدفینی هستند. حدود ۱۳۰ کیلومتر به سمت جنوب ام‌النار جلگه بورامی و دشت هیلی قرار دارد که در این منطقه تعداد زیادی سازه تدفینی شبیه نمونه‌های ام‌النار است که در شرق و شمال هیلی قرار دارند و از نظر کارکرد و ساخت و شکل عیناً شبیه نمونه‌های ام‌النار هستند -م.

۴. تپه چاه حسینی و محوطه موسوم به قلعه سردگاه از محوطه‌های کلیدی هزاره‌های پنجم و چهارم پیش از میلاد در مرکز بلوچستان ایران است که در غرب بمپور قرار دارد. چاه حسینی یکی از تپه‌های کلیدی برای درک فرایندهای فرهنگی مس سنگی منطقه بلوچستان است که در ۳۰ کیلومتری غرب بمپور قرار دارد و قلعه سردگاه تپه به مراتب کوچک‌تر در ۵ کیلومتری غرب تپه بمپور است که امروزه به نام بالانچ شناخته می‌شود -م.

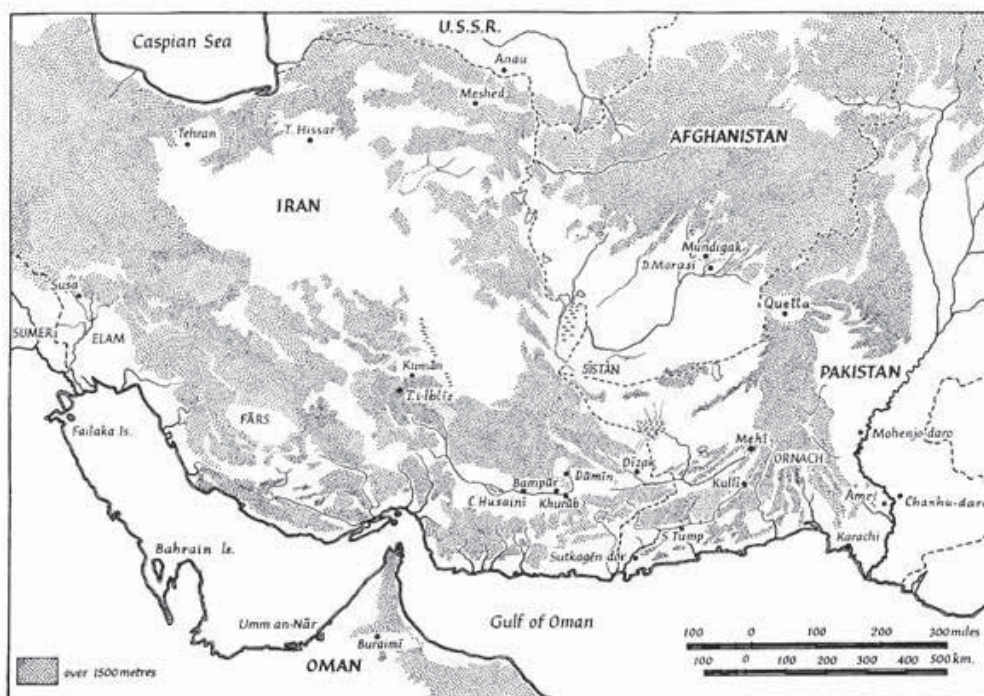
از محوطه‌های بالادست همین رودخانه در محل برخورد دامنه کوه‌ها و شمال دشت ایرانشهر پیدا شده و اکنون مرکز اداری این بخش است، نام برد. گونه دیگر سفالی با همین اهمیت در گمانه‌های اشتین در محوطه پیش‌ازتاریخی بمپور در پای قلعه و در حاشیه روستای فعلی بمپور در مرکز دشت یافت شده است.

اشتین در تشریح نتایج بررسی خود (۱۹۳۷: ۱۰۸) توجه ما را به شباهت بین سفال بمپور و سایر موادی که وی در مکران پاکستان در فرهنگ کولی دیده، جلب می‌کند. در دوره‌های جدیدتر بمپور این‌گونه شباهت‌ها با فرهنگ قلعه در استان فارس (Vanden Berghe 1959:42) مشاهده شده است. علاوه بر این ارتباطات شرقی - غربی، رابطه‌های دیگری نیز توسط فیروزیس (۱۹۶۸: ۹۸) بین برخی از گونه‌های پیش‌ازتاریخی جنوب سیستان و فاز «خوراب» در دشت بمپور دیده شده که او از آن با اصطلاح جابه‌جایی فرهنگی از ایران به سمت شرق نام می‌برد. علی‌رغم توجهی که این ظروف به خود جلب کردند، چنین سفال‌هایی هنوز فاقد انسجام لایه‌نگارانه برای بررسی ارتباطات فرهنگی و تاریخ‌گذاری تطبیقی می‌باشند. برای تعیین توالی فرهنگی این بخش از بلوچستان، کاوش‌های ما در بهار سال ۱۹۶۶ آغاز شد. دلیل انتخاب بمپور این بود که این محوطه افزون بر قرارگیری در دشتی با آب کافی، در یک محور شرقی - غربی، نزدیک محل تلاقی راه‌هایی که می‌توانسته آنجا را به‌عنوان یک سکونتگاه مهم از همان دوره پیش‌ازتاریخی درآورده باشد، قرار گرفته است. با این‌همه، به نظر می‌رسد که به احتمال زیاد محوطه‌های کوچک‌تر دیگری نیز در این دشت وجود داشته که مدارک مرتبط با ارتباطات فرهنگی با سایر سرزمین‌های هم‌جوار را در خود حفظ کرده باشند.

سفال‌های سطحی یافت شده در بررسی اولیه ما نظر اشتین مبنی بر اینکه منطقه استقرار پیش‌ازتاریخی در قسمت شمال غربی قلعه فعلی قرار گرفته (شکل ۳) تأیید کرد. این بخش، جایی است که دیوارهای فرسوده قلعه، یک تپه بلند و کشیده را تشکیل داده که در بخش‌هایی با رسوبات و آوارهای نرم پوشیده شده است. به نظر می‌رسد که در اصل، یک تپه پیش‌ازتاریخی هسته اصلی این تپه را تشکیل داده و بعدها از آن به‌عنوان نقطه مرتفع و مشرف به دشت استفاده شده است که در اصل پوشیده از آوار خشت‌های قلعه است (شکل ۵). اگرچه به دلیل کمبود وقت و منابع لازم امکان امتحان و بررسی این نظر پیدا نشد، اما امکان و احتمال وجود یک استقرار پیش از دوره اول را که توسط ما مورد کاوش قرار گرفت، نباید از نظر دور داشت.

کاوش‌های ما در دو مربع Z و Y تا خاک بکر ادامه پیدا کرد. بخش‌هایی از گمانه کاوش شده مربع Y با قسمتی از گمانه آزمایشی ناتمام اشتین برخورد پیدا کرد. در هر دو مربع، شش دوره استقرار پیش از تاریخی با لایه‌هایی که تشکیل یک مصطبه بلند را داده بودند پوشیده شده بود که محدوده آن در این قسمت، به بیرون از محدوده نقشه برداری شده تپه کشیده می‌شد. آشفته‌گی و فرسایش موجود در این لایه‌ها در هر دو گمانه کاوش شده، اجازه نداد که توالی استقرارهای بعدی روشن شود و بخشی از طول یک دیوار مربوط به آن دوره توسط گمانه حفاری شده توسط اشتین از بین رفته و خراب شده بود. هنگامی که اطلاعات بیشتری درباره مصالح ساختمانی محوطه‌های اوایل دوره تاریخی در این منطقه به دست آوریم، اندازه خشت‌های این دیوار (۴۰ در ۲۲ در ۱۱ سانتی‌متر) ممکن است به تاریخ‌گذاری این استقرار جدید کمک کند.

یک سکونتگاه متعلق به قرون میانی اسلامی به بعد بین قلعه و روستای کنونی بمپور قرار دارد. موقعیت بمپور و قرار گرفتن آن بر سر راه‌های اصلی و مواد پراکنده در روی سطح آن نشان از اهمیت این محوطه در دوران اسلامی می‌دهند.



شکل ۱. نقشه بلوچستان ایران و سرزمین‌های اطراف آن